



## بررسی مقایسه‌ای روش تدریس معلم‌محور و روش تدریس متعلم‌محور در آموزش دستور زبان آلمانی به عنوان زبان خارجی

محمدحسین حدادی\*

(نویسنده مسئول)

دانشیار گروه زبان آلمانی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران،

تهران، ایران

Email: haddadi@ut.ac.ir



ندا صدری\*\*

دانشجوی دکتری آموزش زبان آلمانی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران،

تهران، ایران

Email: neda.sadri@yahoo.com



### چکیده

در آموزش زبان آلمانی به‌عنوان زبان خارجی، همواره تدریس و فراگیری دستور زبان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و سخت‌ترین بخش‌های آن تلقی گردیده است و از این روی پیدا کردن روش تدریس مناسب در آموزش آن، می‌تواند نقش به‌سزایی در موفقیت بیش‌تر زبان‌آموزان ایفا کند. سال‌هاست که آموزش زبان آلمانی به غیرآلمانی‌زبانان از منظر دیدگاه‌های متفاوتی مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله رویکردهایی که در آن به بررسی روش‌های مختلف آموزش زبان آلمانی پرداخته می‌شود، توجه به محوریت معلم و یا زبان‌آموز در فرایند آموزش می‌باشد. این جستار به بررسی مقایسه‌ای دو روش معلم‌محور و متعلم‌محور در آموزش دستور زبان آلمانی پرداخته و در آن این پرسش پاسخ داده شده است که آیا به کارگیری یکی از این دو روش به تنهایی می‌تواند منجر به یادگیری بهتر ساختارهای زبانی گردد و یا ادغام و ترکیب آن‌ها موفقیت بیش‌تری را برای زبان‌آموزان به همراه خواهد داشت. با بررسی نتایج تحقیقات مختلف و تجزیه و تحلیل آمار حاصل شده از نظرسنجی از تعدادی زبان‌آموز آلمانی نشان داده می‌شود که به دلیل وجود نقاط ضعف و قوت در هر دو شیوه، بهترین عملکرد در صورتی خواهد بود که معلم از دو شیوه معلم‌محور و زبان‌آموز‌محور به موازات هم در تدریس دستور زبان استفاده کند.

### اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۰۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۳۰

تاریخ انتشار: زمستان ۱۳۹۹

نوع مقاله: علمی پژوهشی

### کلید واژگان:

آموزش زبان آلمانی، روش تدریس، روش تدریس معلم‌محور، روش تدریس متعلم‌محور، دستور زبان آلمانی، روش قیاسی، روش استقرایی

کلیه حقوق محفوظ است ۱۳۹۹

شناسه دیجیتال DOI: 10.22059/jflr.2020.298907.721

حدادی، محمدحسین، صدری، ندا. (۱۳۹۹). بررسی مقایسه‌ای روش تدریس معلم‌محور و روش تدریس متعلم‌محور در آموزش دستور زبان آلمانی به عنوان زبان خارجی. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، (۱۰) ۴، ۷۲۲-۷۳۳.

Haddadi, Mohammad-Hossein, Sadri, Neda (2021). A Comparative Study of the Teacher-Centered and Student-Centered Teaching Methods in Educating German Grammar as a Foreign Language. *Journal of Foreign Language Research*, 10 (4), 722-733.

DOI: 10.22059/jflr.2020.298907.721

\* محمدحسین حدادی دانشیار گروه زبان آلمانی در دانشگاه تهران است. وی دکتری زبان و ادبیات آلمانی را در دانشگاه هایدلبرگ گذرانده است.

\*\* ندا صدری، دانشجوی دکتری آموزش زبان آلمانی در دانشگاه تهران و مدرس زبان آلمانی در انجمن فرهنگی اتریش است.



# A Comparative Study of the Teacher-Centered and Student-Centered Teaching Methods in Educating German Grammar as a Foreign Language



**Mohammad-Hossein Haddadi\***

(corresponding author)

Associate Professor of the German Language Department, University of Tehran,  
Tehran, Iran  
Email: haddadi@ut.ac.ir



**Neda Sadri\*\***

Ph.D. candidate in German Language Teaching, University of Tehran,  
Tehran, Iran.  
Email: neda.sadri@yahoo.com

## ABSTRACT

In educating German as a foreign language, teaching and learning the grammar has always been considered as one of the most important and difficult parts, and therefore, finding a suitable teaching method can play an important role in better achievements of language learners. For many years, teaching German language to non-Germans has been studied from different perspectives. One of the approaches in evaluating the different methods of teaching German language is to consider the centrality of educator or student. This survey concerns a comparative study of two methods of teaching German grammar, namely teacher-centered and student-centered methods, and seeks to answer the question of, whether using one of the two teaching methods can alone result in a better learning of the linguistic structures, or integrating and combining them would lead to better achievements for the German language learners. A survey of the results of different studies and the analysis of statistical outcomes of the polls obtained from a number of German language learners shows that due to weak and strong points in both the methods, the best outcome in teaching grammar would be reached when the instructor would utilize both the teacher-centered and the student-centered methods, parallel to each other.

DOI: 10.22059/jflr.2020.298907.721

© 2021 All rights reserved.

## ARTICLE INFO

Article history:

Received:  
13th, April, 2020

Accepted:  
19th, May, 2020

Available online:  
Winter 2021

## Keywords:

German language  
teaching, teaching  
method, teacher-centered  
teaching method, student-  
centered teaching method,  
German grammar,  
inductive method,  
deductive method

Haddadi, Mohammad-Hossein, Sadri, Neda (2021). A Comparative Study of the Teacher-Centered and Student-Centered Teaching Methods in Educating German Grammar as a Foreign Language. *Journal of Foreign Language Research*, 10 (4), 722-733.

DOI: 10.22059/jflr.2020.298907.721

\* Mohammad-Hossein Haddadi is an Associate Professor of the German Language Department in University of Tehran, He got his Ph.D. in German Language and Literature from the University Heidelberg.

\*\* Neda Sadri is a Ph.D. candidate in German Language Teaching in University of Tehran, and a German Teacher at the Austrian Cultural Forum.

## ۱. مقدمه

امروزه فراگیری زبان‌های خارجی از چنان اهمیت خاصی برخوردار شده است که چگونگی بکارگیری روش‌های مناسب برای آموزش زبان خارجی به زبان‌آموزان به چالشی جدی در مباحث نظری آموزش زبان مبدل شده است. از مدرسین زبان خارجی به طور کلی انتظار می‌رود که دانش و مهارت زبانی را به گونه‌ای به زبان‌آموزان بیاموزند که متناسب با شرایط واقعی و روزمره‌ی زندگی باشد، درک لازم را برای شناخت آداب رفتاری متفاوت برای زبان‌آموزان ایجاد کنند، اطلاعات لازم را در مورد فرهنگ کشوری که زبان آن آموخته می‌شود، در اختیار زبان‌آموزان قرار دهند، آموزش لازم را در چگونگی معاشرت صحیح زبان‌آموزان در جامعه مقصد در نظر بگیرند و از زبان‌آموزان در کسب آمادگی و مهارت جهت استفاده‌ی مستقلانه از ابزار زبانی که مهمترین بخش آن، آموزش استفاده از روش‌های یادگیری می‌باشد، حمایت کنند.<sup>۱</sup>

رشته آموزش زبان آلمانی به عنوان زبان خارجی (Deutsch als Fremdsprache (DaF)) نیز که در راستای برآورده کردن انتظارات فوق شکل گرفته، توجه پژوهشگران آلمانی و خارجی را در سالیان اخیر بیش از پیش به خود جلب کرده و در آن انواع روش‌های تدریس زبان آلمانی به زبان‌آموزان خارجی چه از بعد نظری و چه از بعد تجربی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. جستار ذیل در صدد است تا با بررسی ابعاد نظری دو روش تدریس معلم‌محور (Lehrerzentrierte Unterrichtsmethode) و معلم‌محور (Lernerzentrierte Unterrichtsmethode) و مقایسه‌ی این دو، معایب و مزایای هر دو روش را استنباط و استخراج کند. گرچه پژوهش پیش روی به بررسی مقایسه‌ای دو روش تدریس معلم‌محور و روش تدریس معلم‌محور در حوزه دستور زبان آلمانی در ابعاد نظری پرداخته است، اما بدیهی است که مزایا و معایب این دو روش در کشورهایی چون ایران، نیازمند یک پژوهش تجربی گسترده است که در مجال این جستار نمی‌گنجد. این جستار

می‌تواند ظرفیت و بستر لازم را برای پژوهشگران برای انجام بررسی تجربی دو روش تدریس نامبرده فراهم کند. تمرکز این جستار بر آموزش دستور زبان آلمانی به دو دلیل ذیل صورت گرفته است. ۱. فراگیری یک زبان خارجی بدون یادگیری دستور زبان به صورت اصولی امکان‌پذیر نیست. ۲. اکثر زبان‌آموزان آلمانی دستور زبان را به عنوان سخت‌ترین بخش زبان‌آموزی ارزیابی می‌کنند. به دلایل فوق، به نظر می‌رسد که یکی از مهم‌ترین وظایف معلمان فراهم آوردن بستری مناسب و شیوه‌ای کارآمد در جهت آموزش دستور زبان باشد.

پرسش‌هایی که این جستار در صدد پاسخ به آن‌ها است، عبارتند از: آیا یکی از این دو روش معلم‌محور و معلم‌محور در تدریس دستور زبان آلمانی بهتر از شیوه‌ی دیگر عمل کرده است؟ آیا ترکیب و ادغام این دو روش می‌تواند منجر به یادگیری بهتر ساختارهای زبانی شود؟ با توجه به اینکه هیچ کدام از دو روش تدریس معلم‌محور و معلم‌محور عاری از عیب و نقص و نقاط ضعف نیستند، فرضیه‌ای که مطرح می‌شود این است که ادغام و ترکیب این دو روش در آموزش دستور زبان به زبان‌آموزان خارجی، موفقیت بیشتر و عملکرد بهتری را همراه خواهد داشت.

## ۲. پیشینه‌ی تحقیق

یکی از پژوهش‌های انجام شده در خصوص دو روش تدریس معلم‌محور و معلم‌محور، پژوهشی است که در سال ۲۰۱۱ با عنوان *محو‌ریت معلم در آموزش زبان آلمانی به عنوان زبان خارجی: کلاسی آزمایشی با موضوع حاکمیت فعل (Lernerzentriertheit im DaF-Unterricht: Unterrichtsversuch zum Thema Verbrektion)* در کشور فنلاند انجام گرفته است. در این پژوهش دو روش تدریس معلم‌محور و معلم‌محور در آموزش زبان آلمانی با استناد به مبحث "حاکمیت فعل" با هم مقایسه شدند. این پژوهش بر روی دو گروه از دانش‌آموزان دبیرستانی در فنلاند انجام شد که مشغول یادگیری زبان آلمانی در سطح (B2) بودند. در این پژوهش، روش سنتی معلم‌محور با روش

<sup>۱</sup> برای اطلاعات بیشتر تر.ک. به: بimmel و رامپیلون (Bimmel,

Rampillon)، ۲۰۰۴، ص.ص. ۱۲-۱۰.

متعلم‌محور با این هدف که روش تدریس مناسبی برای زبان‌آموزان به دست آید، مقایسه شد. پژوهش شامل دو ساعت آموزشی برای هر یک از دو گروه با موضوع حاکمیت فعل بود. پس از آن که تفاوت‌های بین دو روش معلم‌محور و متعلم‌محور بررسی شدند، زبان‌آموزان بر اساس معیارهایی همچون دانش زبان آلمانی، نگاه آن‌ها به یادگیری زبان آلمانی و نوع یادگیری طبقه بندی شدند. پس از آن در بخش تحلیل، چگونگی شکل‌گیری روش متعلم‌محور، انتظارات لازم از معلم و متعلم و مشکلاتی که در حین آن رخ دادند، بررسی و نتیجه‌ی ذیل حاصل شد: شکل‌گیری محوریت زبان‌آموز حایز اهمیت هست، اما نبایستی به واسطه‌ی محوریت وی بر معلم فشار وارد شود. بهترین حالت این است که معلم بین این دو شیوه توازن و تعادل برقرار و در حد نیاز میان این دو روش تمایز ایجاد کرده و از روش‌های تدریس متنوع بهره‌برد (پکینن (Pekkinen)، ۲۰۱۱، صص ۶۱-۵۸).

در پژوهشی دیگر که در سال ۲۰۱۴ با عنوان یادگیری خودمختار در تدریس دستور زبان در آموزش زبان آلمانی (Autonomes Lernen in DaF-Grammatikdarstellungen) در دانشکده‌ی فلسفه‌ی دانشگاه فنلاند شرقی انجام شد، دو کتاب درسی *Themen Panorama Deutsch aktuell 2* به لحاظ یادگیری مستقل و محوریت متعلم در فراگیری دستور زبان مورد بررسی قرار گرفتند. از آن‌جا که توضیح صریح دستور زبان باعث یادگیری راحت‌تر زبان خارجی می‌گردد، نقش کتب درسی در انتقال و تفهیم دستور زبان بسیار حایز اهمیت است. به همین جهت این دو کتاب درسی از منظر محوریت و استقلال متعلم در فراگیری دستور زبان مورد بررسی قرار گرفتند. نتیجه این بود که این کتب درسی فقط تا حدودی به زبان آموز اجازه‌ی محوریت و استقلال را می‌دهند، زیرا که در خیلی از موقعیت‌های آموزشی نیاز به معلم‌محور بودن روند کلاس می‌باشد و از شیوه‌هایی استفاده می‌شود که استقلال زبان‌آموز را سلب می‌کنند. این تحقیق به این نتیجه رسید که امروزه هیچ روش تدریسی به روش دیگر غالب نیست، بلکه روش‌های آموزشی متفاوتی با یکدیگر ترکیب شده‌اند (سایرانن (Sairanen)، ۲۰۱۴، صص ۶۶-۶۵).

### ۳. روش تحقیق

در جستار حاضر با بررسی منابع موجود و مشاهدات انجام‌شده در خصوص دو روش تدریس معلم‌محور و متعلم‌محور فرضیه‌هایی مطرح گردیدند. برای پاسخ دادن به این پرسش که آیا در آموزش دستور زبان آلمانی به غیر آلمانی‌زبانان به کارگیری یکی از دو روش معلم‌محور یا متعلم‌محور به تنهایی منجر به یادگیری بهتر می‌شود و یا ادغام و ترکیب این دو روش در آموزش زبان با موفقیت بیشتری همراه است، علاوه بر تجزیه و تحلیل نتایج حاصل شده از پژوهش‌های انجام شده در کشورهای خارجی، پرسش‌نامه‌ای با هدف نظرسنجی از زبان‌آموزان مبتدی طرح گردید. این پرسش‌نامه شامل ۱۰ عبارت می‌باشد، که نیمی از آن‌ها به ویژگی‌های روش معلم‌محور اشاره دارند و نیمی دیگر مربوط به خصوصیات روش متعلم‌محور هستند. سپس از ۲۰ زبان‌آموز مبتدی که ترم یک (A1) را در موسسه‌ی سفارت آلمان و یا انجمن فرهنگی اتریش گذارنده بودند، خواسته شد که با دادن امتیاز از ۱ تا ۵ (۱=کاملاً مخالف و ۵=کاملاً موافق) میزان موافقت خود را با هر یک از عبارات مطرح شده در خصوص نحوه‌ی یادگیری دستور زبان آلمانی اعلام کنند. مقیاس به کار برده شده در این پرسش‌نامه مقیاس لیکرت می‌باشد، که یکی از معتبرترین مقیاس‌های نظرسنجی می‌باشد. در انتها نیز میانگین امتیازات برای هر یک از عبارات‌ها محاسبه گردیدند و داده‌های حاصله مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. هدف از این پرسش‌نامه این بود که نظرات و دیدگاه‌های زبان‌آموزان را نسبت به برخی از معیارهای مختص روش تدریس معلم‌محور و متعلم‌محور مورد ارزیابی قرار دهد. در بخش نتایج، نمودار مربوط به داده‌های نظرسنجی و نتیجه‌گیری حاصل شده از تجزیه و تحلیل آن‌ها قابل ملاحظه می‌باشند.

### ۴. نتایج و بحث و بررسی

#### آموزش زبان آلمانی به عنوان زبان خارجی

آموزش زبان آلمانی به عنوان یک زبان خارجی که به عنوان یک رشته‌ی تحصیلی در بسیاری از دانشگاه‌های آلمان و خارج از آلمان (از جمله ایران) ارایه می‌شود، به مجموعه‌ای از روش‌های تدریس و فعالیت‌های علمی اطلاق می‌شود که با زبان آلمانی و فرهنگ کشورهای آلمانی‌زبان از منظر آموزش آن و یادگیری آن توسط غیر آلمانی‌زبانان سروکار

دارد. این رشته آموزش زبان و فرهنگ آلمانی از منظر غیر آلمانی زبانان را مورد بررسی و شرایط خاص یادگیری آن در خارج از کشورهای آلمانی زبان را هدف قرار می‌دهد. در آموزش زبان آلمانی به عنوان یک زبان خارجی دو مبحث آموزش و پژوهش که از دیرباز همواره جدا از هم مورد بررسی قرار می‌گرفتند، توأمان، هم‌تراز با هم و در تعامل با یکدیگر به چالش کشیده می‌شوند. بنابراین این رشته از سویی به آموزش زبان آلمانی به غیر آلمانی زبانان می‌پردازد و از سویی دیگر زیرشاخه‌ای علمی است که در خصوص آموزش و یادگیری زبان آلمانی به پژوهش می‌پردازد (کروم (Krumm)، ۲۰۱۰، ص. ۴۷).

در ایران این رشته در سال‌های اخیر از اهمیت بالایی برخوردار شده است، چرا که شمار زیادی از ایرانیان به دلایل مختلفی به یادگیری زبان آلمانی روی آورده‌اند. بنابراین حایز اهمیت است که در خصوص روش‌های تدریس پرطرفدار زبان آلمانی در ایران و بالاتر بردن کیفیت کلاس‌های درس، پژوهش‌های بیشتری صورت گیرند.

### مقایسه دو روش معلم‌محور و متعلم‌محور

روش‌های مختلف تدریس زبان از جهات مختلفی دسته‌بندی می‌شوند. یکی از انواع تقسیم‌بندی روش‌های تدریس، دسته‌بندی آن‌ها به دو گروه معلم‌محور و متعلم‌محور می‌باشد. در روش معلم‌محور که در گذشته روشی غالب بوده است، معلم متکلم وحده بوده و پرسش می‌کند و زبان‌آموزان پاسخ می‌دهند، او مطالب را بر روی تخته می‌نویسد و زبان‌آموزان مطالب را یادداشت می‌کنند. اما در روش متعلم‌محور که به خصوص در کشورهای غربی بیش از روش‌های معلم‌محور مورد استفاده قرار می‌گیرد، زبان‌آموزان با هم در کلاس درس به صورت گروهی کار می‌کنند و در صورت بروز مشکل از معلم خود پرسش کرده و از او راهنمایی می‌خواهند. در این نوع تدریس، فضای آموزشی راحت‌تری در کلاس حاکم است و تمرین‌ها مفیدتر نیز می‌باشند، زیرا که معلم تمرین‌ها را با توجه به نیاز تک‌تک زبان‌آموزان طرح می‌کند. البته هنوز معلم‌های بسیاری هستند که روش معلم‌محور را ترجیح می‌دهند و دلیل آن نیز این است که معلم می‌تواند کلاس و زبان‌آموزان را بهتر اداره کند. البته باید به این نکته توجه داشت که اجرای شیوه‌ی

متعلم‌محور به صورت کامل فقط در کلاس‌های خصوصی تک نفره ممکن می‌باشد، زیرا که در کلاس‌های جمعی امکان دادن پاسخ کامل به نیاز تک‌تک زبان‌آموزان وجود ندارد و اهداف و جدول زمان‌بندی موجود در برنامه‌ی آموزشی کلاس‌ها مانع از آن می‌شوند که علایق و اهداف هر یک از دانش‌آموزان به صورت جداگانه تحقق یابند (پکینن، ۲۰۱۱، ص ص. ۱۱-۱۰).

معلم در روش معلم‌محور، در کلاس درس نقش محوری و مرکزی دارد. در حالی که مشخصه‌ی روش متعلم‌محور این است که زبان‌آموز کنش‌گر می‌باشد و در آن باید روش تدریس و کتاب درسی با نیازها و علایق زبان‌آموزان وقف داده شوند. در این روش معلم نقش اصلی و محوری را ایفا نمی‌کند و علاوه بر آن باید برنامه ریزی درسی را با توجه به اهداف آموزشی انجام داده و همانند یک مشاور، در صورت نیاز به دانش‌آموزان کمک کرده و کلاس را سازمان‌دهی نماید. البته در این‌جا معلم یک وظیفه‌ی مهم دیگر نیز دارد و آن دادن انگیزه به زبان‌آموز است، زیرا که او باید در کلاس درس فعال باشد و به همین دلیل داشتن انگیزه‌ی وی، نقش بسیار مهمی در فرایند آموزشی خواهد داشت. از طرفی زمانی که زبان‌آموز متوجه شود که مشارکت او در کلاس حایز اهمیت است، می‌تواند موجب کسب انگیزه‌ی بیش‌تر در وی نیز بشود. تفاوت دیگر دو روش تدریس معلم‌محور و متعلم‌محور در این واقعیت نهفته است که در کلاس‌هایی که با روش تدریس متعلم‌محور برگزار می‌شوند، زبان‌آموزان با هم در گروه‌های دو یا چندنفری مشغول به حل تمرین و کار گروهی می‌باشند، در حالی که در کلاس‌های معلم‌محور توجه فقط معطوف به معلمی می‌باشد که مشغول تدریس است (پکینن، ۲۰۱۱، ص ص. ۱۱-۱۰).

در روش تدریس معلم‌محور که در آن معلم سخن می‌گوید و زبان‌آموزان گوش فرا می‌دهند، معلم اجراکننده بوده و زبان‌آموزان تکرار می‌کنند و تدریس در قالب سمعی-بصری (صدای معلم، فایل صوتی، تخته‌ی کلاس، فیلم و ...) صورت می‌گیرد. در این روش معلم باید اطلاعات را به‌صورت کوتاه، قابل فهم و با ساختاری واضح ارائه دهد، چرا که پس از گذشت تنها پنج دقیقه احتمال اختلال در تدریس و حواس‌پرتی زبان‌آموزان وجود دارد و از این روی



غالباً هیچ کلاسی به طور مطلق و فقط با یکی از این دو روش نام برده اداره نمی‌شود (اگنشویلر (Eggenschwiler)، ۲۰۱۴، ص. ۵). از دید وینکلر (Winkler) (۲۰۱۱، ص. ۴۲) روش تدریس معلم‌محور دارای مشخصه‌های زیر می‌باشد:

- معلم مبحثی را توضیح می‌دهد و صحبت می‌کند و زبان آموزان گوش فرا می‌دهند، نگاه می‌کنند و یادداشت برمی‌دارند.
- خواندن، نوشتن و صحبت کردن زبان‌آموزان توسط معلم هدایت (Fremdkontrolle) می‌شود.
- مفهومی انتقال داده می‌شود و وظیفه‌ی زبان آموز بازتولید آن است.
- ادامه‌ی روند کلاس به عملکرد زبان آموز بستگی دارد.
- زبان آموزان عملکرد خود را ارزیابی نمی‌کنند، بلکه عملکرد آنان توسط معلم کنترل و بررسی می‌شود.

در روش تدریس معلم‌محور، زبان آموز در مرکزیت قرار داشته و معلم در حین مراحل مختلف آموزشی در پشت صحنه دست به کار می‌شود. معلم برای اینکه یادگیری به بهترین نحو صورت پذیرد، بایستی با به کارگیری گستره‌ای از روش‌های آموزشی، زبان آموزان را نسبت به شیوه‌های مختلف تدریس حساس کند (Sensibilisierung)، بدین معنا که زبان‌آموزان خود بتوانند بین این شیوه‌ها تمایز قایل شوند و آن‌ها را از هم تشخیص دهند. به این شیوه از آموزش غالباً در هر جلسه مدت زمان بیشتری نسبت به روش معلم‌محور اختصاص داده می‌شود. وینکلر (۲۰۱۱، ص. ۴۲) از

معیارهای ذیل به عنوان مشخصه‌های کلاس متعلم‌محور نام برده است:

- زبان آموز در کلاس فعال بوده، برنامه‌ریزی و اجرا می‌کند، صحبت کرده و آزمایش می‌کند و به دنبال اطلاعات می‌گردد.
- زبان آموز در تمامی زمینه‌ها به صورت مستقل عمل می‌کند.
- زبان آموز دانش خود را به واسطه‌ی فعالیت خود به دست می‌آورد.
- زبان آموز تولید می‌کند و این تولید به دور از هرگونه اجبار و آزادانه صورت می‌گیرد.
- زبان آموز مسئول عملکرد خویش است (Selbstkontrolle).

علاوه بر این، معلم در فرآیند کلاس متعلم‌محور این نقش‌ها را (گودیونز (Gudjons)، ۱۹۹۳، ص. ۱۶) دارد:

- آغازکننده
- محرک
- تنظیم کننده
- ارزیابی کننده

در دو جدول زیر مزایا و معایبی که برای هر کدام از دو روش معلم‌محور و دانش‌آموز‌محور معرفی شده‌اند، قابل رویت می‌باشند:

جدول ۱: مزایا و معایب روش معلم‌محور

مزایای روش معلم‌محور	معایب روش معلم‌محور
معلم ظرف مدت زمانی کوتاه به تعداد زیادی از زبان‌آموزان به طور هم‌زمان دسترسی دارد.	اطلاعات توسط زبان‌آموزان بدون هرگونه انتقاد و پرسشی پذیرفته می‌شوند.
بی‌نیازی از تجهیزات رسانه‌ای	عدم تعامل زبان‌آموزان
امکان برنامه‌ریزی دقیق توسط معلم	نداشتن فعالیت خودجوش توسط زبان‌آموزان
متناسب برای انتقال مفاهیم پیچیده و آغازی مناسب برای قدم‌های آموزشی بعدی	بی‌حوصلگی و بی‌دقتی زبان‌آموزان و در نتیجه ایجاد مزاحمت توسط آن‌ها برای کلاس درس
انعطاف پذیری بالا	تبدیل شدن به نظاره‌گر به جای کنش‌گر

جدول ۱ - مزایا و معایب روش معلم‌محور (اگنشویلر، ۲۰۱۴، ص. ۶)

مزایای روش متعلم محور	معایب روش متعلم محور
ایده‌آل برای کلاس‌های بزرگ با تعداد زیادی از زبان‌آموزان	احتمال منزوی شدن برخی زبان‌آموزان در صورت عدم سازمان‌دهی درست
تعامل بالا با سایر زبان‌آموزان	دست‌نیایی به نتیجه در صورت عدم همکاری زبان‌آموزان
یادگیری زبان آموزان از یکدیگر	وقت گیر بودن
مورد خطاب قراردادن فرد فرد زبان‌آموزان	افزایش احتمال تعارض و اختلاف نظر میان زبان‌آموزان
یادگیری توأمان مباحث درسی و مهارت اجتماعی	سختی ارزیابی عملکرد تک تک افراد به صورت جداگانه

جدول ۲ - مزایا و معایب روش متعلم محور (اگشتویلر، ۲۰۱۴، ص. ۱۱)

## آموزش دستور زبان

دستور زبان به مجموعه‌ای از قواعد گفته می‌شود که به توصیف و بیان ساختار واژگان و جملات می‌پردازد و یادگیری آن برای آموختن یک زبان ضروری می‌باشد (پروان و سرکار حسن خان، ۱۳۹۰، ص. ۷-۸). آموزش دستور زبان در تدریس زبان‌های خارجی مبحثی بسیار مهم می‌باشد که همواره ضرورت آن احساس می‌شود. از آنجا که برای بسیاری از زبان‌آموزان فراگیری دستور زبان با تجربه‌ی هیجانات منفی همراه است، معلم باید تدریس دستور زبان را به فرآیندی لذت‌بخش و موفقیت‌آمیز تبدیل کند. برخلاف تصور عموم، آموزش دستور زبان می‌تواند به میزان قابل توجهی سبب ایجاد انگیزه در زبان‌آموزان گردد، زیرا که آنان به واسطه‌ی آموختن قواعد دستوری می‌توانند بسیار سریع موفقیت در یادگیری را تجربه کنند. این در حالی است که کسب مهارت در صحبت کردن به سرعت حاصل نمی‌شود و یادگیری آن بسیار پیچیده‌تر می‌باشد (آلبرت (Albert)).

(۲۰۱۸، ص. ۴).

آموزش دستور زبان بخشی جدا نشدنی از آموزش آلمانی به عنوان زبان خارجی است و به همین دلیل روش تدریس مستقیماً بر روی روش تدریس دستور زبان تأثیر می‌گذارد. محوریت زبان‌آموز یا معلم می‌تواند تأثیرات تعیین‌کننده‌ای را بر روی نوع و شیوه‌ی تدریس دستور زبان بگذارد.

### آموزش دستور زبان به شیوه‌ی معلم‌محور

زمانی که روش تدریس، معلم‌محور باشد، تدریس دستور زبان بیشتر به روش قیاسی (deduktiv) صورت می‌پذیرد. در روش قیاسی، که قدیمی‌ترین شیوه‌ی آموزش دستور زبان می‌باشد و معلم در آن مهم‌ترین نقش را در فرآیند آموزش دارد، ابتدا قاعده‌ی دستوری به صورت انتزاعی بیان

و سپس برای فهم آن مثال‌هایی ارائه می‌گردد. پس از این دو مرحله تمرین‌هایی انجام می‌شوند (تمرین‌های تثبیت ساختار (Drillübungen)) تا به موازات مثال‌ها، یادگیری قاعده‌ی دستوری و به کارگیری درست آن تضمین شوند. نقش زبان‌آموز در این روش، گوش دادن به معلم، فهمیدن ساختار جدید زبانی، بازتولید و تقلیدسازی صحیح جملات می‌باشد. به عبارت دیگر در روش قیاسی و معلم‌محور سه مرحله توسط معلم اجرا می‌شوند: مرحله‌ی نخست مرحله‌ی آگاه‌سازی است، که در آن معلم صراحتاً اعلام می‌کند که چه چیزی را می‌خواهد در این جلسه آموزش دهد. در گام دوم معلم مثالی را یادداشت می‌کند، تا ساختار یا قاعده‌ی جدید را نشان دهد. در مرحله‌ی آخر باید ساختار دستوری جدید با استفاده از تمرین‌های مناسب در ذهن زبان‌آموز تثبیت و فعال شود. در این مرحله بهتر است که معلم از جملاتی جهت تمرین کردن استفاده کند که به شرایط واقعی و روزمره نزدیک‌تر باشند (باکاریچ (Bakarić)، ۲۰۱۳، ص. ۲۳-۲۲).

امروزه به اندازه‌ی گذشته در کلاس‌های آموزش زبان از شیوه‌ی قیاسی زیاد استفاده نمی‌گردد، چرا که برخی بر این نظر هستند که این شیوه تا حدود زیادی انتزاعی است و استفاده از یک شیوه‌ی انتزاعی برای آموزش زبان که پدیده‌ای زنده و حقیقی است، مناسب نمی‌باشد. از سوی دیگر مرحله‌ی نخست (مرحله‌ی آگاه‌سازی ساختار دستوری جدید) نسبتاً وقت‌گیر است، زیرا که زبان‌آموزان با پدیده‌ای سروکار دارند که کاملاً جدید بوده و از همین روی با فهم آن مشکل دارند (اشتورس (Storch)، ۲۰۰۱، ص. ۱۸۲).

### مزایای روش قیاسی

از موارد زیر می‌توان به عنوان مزایای روش قیاسی در تدریس دستور زبان نام برد (اشلاک (Schlak)، ۲۰۰۳، ص.

به گونه‌ای در ذهن زبان‌آموز نقش می‌بندد که وی پس از مدتی نیازی به تمرکز روی فرم و قالب نداشته و فقط بر روی چیزی که می‌خواهد بیان کند، تمرکز خواهد داشت. اگر دستور زبان به روش استقرایی و در قالب متن تدریس شود، دیگر آموزش در سطح انتزاعی باقی نمی‌ماند و زبان‌آموزان می‌توانند در مکالمات خود بهتر از دانش دستوری خود استفاده کنند، زیرا آنان فقط قالب‌های دستوری را نیاموخته‌اند، بلکه کاربرد آن‌ها را نیز فراگرفته‌اند (اشتورس، ۲۰۰۱، ص. ۱۸۰).

### مزایای روش استقرایی

مزایای روش استقرایی در تدریس دستور زبان و علل پرتطرف‌دار بودن آن در سال‌های اخیر به شرح زیر می‌باشند (اشلاک، ۲۰۰۳، ص. ۸۷-۸۶):

- منجر به تقویت فعالیت خودجوش و استقلال زبان آموز شده و فرایند یادگیری تاثیر به سزایی در استقلال زبان‌آموز (Lernerautonomie) دارد،
- زبان‌آموز ناچار است که فرضیه‌های مختلف را بررسی کند،
- قواعد دستوری که به صورت مستقل توسط زبان آموز بیان می‌شوند، نسبت به قواعد دستوری که توسط معلم ارایه می‌شوند، در ذهن زبان آموز ماندگارتر خواهند بود،
- زبان آموزان این امکان را دارند که هر قاعده‌ی دستوری را همان گونه که فهمیده‌اند و یا در صدد استفاده از آن هستند، شکل بدهند،
- پدیده‌های دستوری به صورت منظم و طبیعی ظاهر می‌شوند و نه در قالب قواعد ساختگی و تحمیل شده،
- جهت یادگیری از سمت عینی به انتزاعی است، زیرا که آموختن مباحث زبانی عینی راحت‌تر از مباحث انتزاعی است،
- در زبان‌آموز کنجاوی و انگیزه به عنوان دو عامل بسیار مهم برای پیشرفت در فرآیند یادگیری، ایجاد می‌شود،
- ترس از سختی فراگیری دستور زبان کم می‌شود،
- زبان‌آموزان می‌توانند با هم در گروه‌های دو یا چند

- زمان‌بر نیست،
- از نتیجه‌گیری غلط جلوگیری می‌شود،
- و یادگیری منظم راحت‌تر تحقق می‌یابد.

### آموزش دستور زبان به شیوه‌ی متعلم‌محور

در صورتی که معلم بخواهد از روش متعلم‌محور در تدریس دستور زبان بهره ببرد، می‌بایست از روش استقرایی (induktiv) استفاده کند. در روش استقرایی یک پدیده‌ی دستور زبانی در بطن یک متن یا یک منبع آموزشی دیگر آمده و زبان آموز با کمک عوامل محیطی و پیرامونی می‌تواند متوجه آن بشود. زبان آموزان با کمک ابزارهای آموزشی (مانند تصاویر، نمودار، جداول و ...) خود متوجه آن قاعده‌ی دستور زبانی شده و معلم آن را خلاصه و یا تکمیل می‌کند. سپس مثال‌هایی به صورت تقلیدی و مشابه هم در تمرین‌هایی به کار گرفته می‌شوند، که نیازمند شیوه‌های متنوعی هستند (تمرین‌های پرسش و پاسخ، استفاده از قاعده‌ی دستوری آموخته شده در تمرین‌های استقرایی، چه به صورت تک نفره، دو نفره، گروهی و یا دسته جمعی). بکارگیری گستره‌ی متنوعی از راهبردها سبب می‌شود که قاعده‌ی دستوری آموخته شده به صورت جزیی از دایره‌ی زبان متعلم درآید. تدریس دستور زبان به شیوه‌ی متعلم‌محور و استقرایی در بر گیرنده‌ی مراحل ذیل می‌باشد: در گام نخست، ساختار و یا قاعده‌ی دستوری جدید با مثالی به تصویر کشیده می‌شود. از آن جا که زبان‌آموز در بطن متن، متوجه‌ی نقش قاعده‌ی دستوری جدید می‌شود، تثبیت اولیه‌ی آن با بکارگیری تقلیدگونه‌ی این ساختار صورت می‌گیرد. این امر می‌تواند به واسطه‌ی تکرار مثال با صدای بلند و به شکل‌های متفاوت و یا پاسخ دادن به پرسش‌های معلم صورت پذیرد. دومین مرحله، ارایه‌ی مثال‌های مشابه و قابل قیاس از این ساختار دستوری است. پس از اتمام این دو مرحله، زبان‌آموزان باید این قاعده‌ی جدید را تبیین و تعریف کنند. مرحله‌ی آخر نیز مربوط به فعال کردن این ساختار جدید در ذهن زبان آموز با کمک بکارگیری آن می‌باشد (هاید (Heyd)، ۱۹۹۰، ص. ۱۶۷-۱۶۸).

طرفداران آموزش دستور زبان به شیوه‌ی استقرایی و متعلم‌محور بر این باورند که ساختار زبانی جدید با این شیوه



نفره کار کنند و این امر باعث ایجاد تعامل در کلاس زبان خارجی می‌شود.

### روش استقرایی یا روش قیاسی؟

با وجود این که برای روش استقرایی هم از لحاظ کمی و هم از نظر کیفی دلایل قانع‌کننده‌تری وجود دارند، اما در برخی از شرایط استفاده از روش قیاسی در تدریس دستور زبان می‌تواند بهتر می‌باشد. به طور مثال در نزد برخی از زبان‌آموزان، به ویژه افراد مسن، روش قیاسی ترجیح داده می‌شود. برخی از پژوهشگران بر این باور هستند که میزان سختی یک ساختار گرامری، نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب روش قیاسی و یا استقرایی خواهد داشت (اشلاک، ۲۰۰۳، صص. ۸۸-۸۷). برخی این فرضیه را مطرح کردند که فقط در ساختارهای زبانی که قاعده‌مند هستند و از پیچیدگی کمی برخوردار هستند، باید از روش استقرایی استفاده شود، این در حالی است که پژوهش تجربی شافر در سال ۱۹۸۹ این فرضیه را تایید نکرد. وی به این نتیجه رسید که در آموزش مباحث دستوری پیچیده هیچ کدام از دو روش قیاسی و استقرایی، به طور معناداری موفق‌تر از روش دیگر نیست. البته چون پژوهش شافر بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی در رده‌ی سنی ۱۳ تا ۱۸ صورت گرفته است، این نتیجه‌گیری می‌تواند به علت سن پایین زبان‌آموزان قابل توجیه باشد (شافر (Schaffer)، ۱۹۸۹، صص. ۳۹۸-۳۹۶).

برخی دیگر بر این نظر هستند که تا زمانی که یک ساختار دستوری در زبان اول و زبان دوم زبان‌آموز بسیار متفاوت باشند، روش قیاسی بهتر خواهد بود (اشلاک، ۲۰۰۳، صص. ۸۹-۸۸). میتزل در پژوهش عملی خود در زمینه‌ی روان‌شناسی تربیتی به این نتیجه رسیده است که ادغام و ترکیب این دو شیوه احتمال موفقیت را افزایش خواهند داد (میتزل (Mietzel)، ۱۹۸۶، صص. ۲۱۶-۲۱۴). در پژوهش دیگری که بر روی دانشجویان زبان انگلیسی صورت گرفته است، این نتیجه حاصل شده است که روش استقرایی الزاما نسبت به روش قیاسی برتری ندارد، زیرا که در پژوهش‌های عملی برای هیچ کدام از دو روش در آموزش دستور زبان، مزایای معناداری مشاهده نمی‌شوند (اشلاک، ۲۰۰۳، صص. ۸۹-۸۸).

نکته‌ی قابل توجه دیگر این است که زبان آموزان

فرآیندهای قاعده‌یابی استقرایی را بلد نبوده و این فرآیندها باید نخست به آن‌ها آموزش داده شود. برای یادگیری این فرآیندها توصیه می‌گردد که خودآزمایی زبان آموزان به صورت تدریجی افزایش یابد. در این راستا گام‌هایی لازم برای قاعده‌یابی استقرایی وجود دارند که نه تنها بایستی پس از معرفی به زبان آموزان در کلاس به شکل خودآگاه درآورده شوند، بلکه باید به صورت فشرده تمرین شوند. این گام‌ها به شرح زیر می‌باشند (اشلاک، ۲۰۰۳، صص. ۸۹-۸۸):

- جمع آوری مثال‌هایی که ساختار زبانی مورد نظر را دارند،
- مرتب کردن و بخش بندی مثال‌ها،
- مقایسه‌ی مثال‌ها و علامت زدن قسمت‌هایی که به ساختار جدید مربوط می‌شوند،
- فرضیه‌سازی در مورد قاعده‌مندی ساختار زبانی مربوطه،
- امتحان کردن فرضیه با استفاده از ساختن جملات جدید،
- تأیید یا رد فرضیه

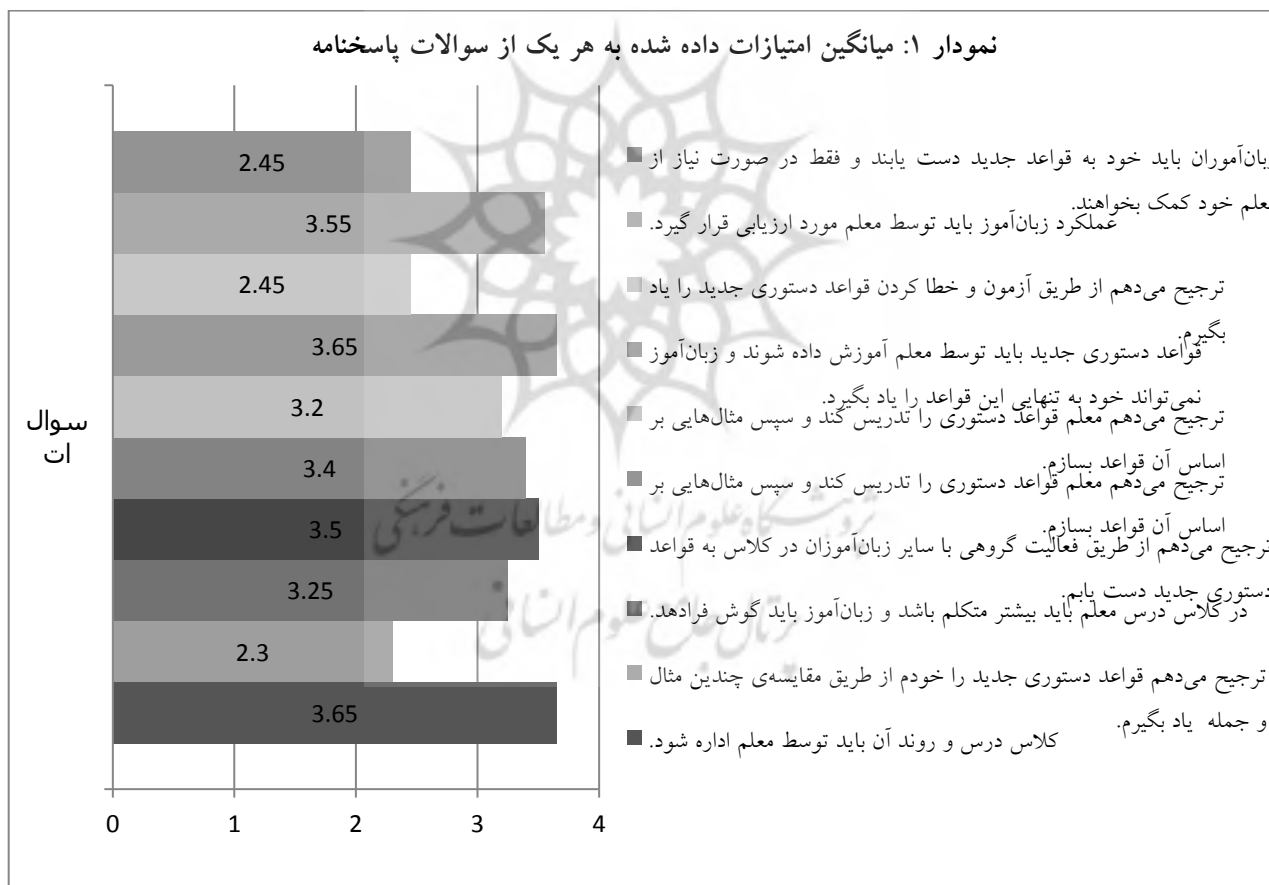
در آموزش دستور زبان به روش استقرایی، زبان آموزان اغلب تشویق می‌شوند که خود، قواعد را بیان کنند، زیرا که در این صورت ساختارهای جدید در ذهن زبان آموزان ماندگارتر خواهند بود. موردی که وجود دارد این است که برای غالب زبان‌آموزان این تمرین در ابتدا سخت خواهد بود، به همین دلیل دستورالعمل‌هایی وجود دارند که آن‌ها را گام به گام به این توانمندی برسانند که قواعد دستوری و ساختارها را کاملا مستقلانه بیان کنند. به طور مثال در گام اول معلم می‌تواند خود به زبان آموزان چند قاعده‌ی دستوری را ارایه دهد و زبان‌آموزان باید از میان آن‌ها قاعده‌ی درست را انتخاب کنند. در مرحله‌ی بعدی زبان آموزان بایستی قواعدی را که معلم را به صورت ناقص (جملاتی با جاهای خالی) ارایه داده است، تکمیل کنند. و در مرحله‌ی آخر معلم می‌تواند از زبان‌آموزان بخواهد که خود به طور مستقل، قواعد دستوری را هم به زبان خارجی و هم به زبان مادری خود بیان کنند (اشلاک، ۲۰۰۳، صص. ۹۰-۸۹).

## نتایج

تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌های نظرسنجی زبان‌آموزان مبتدی نیز تایید کننده‌ی یافته‌های پژوهش‌های ذکر شده بودند. این پرسش‌نامه با این هدف طراحی شده بود که از زبان‌آموزان در خصوص روش‌های آموزشی معلم‌محور و متعلم‌محور نظرسنجی صورت گیرد و به این پرسش پاسخ داده شود که آن‌ها کدام روش را در آموختن دستور زبان آلمانی موفقیت‌آمیزتر ارزیابی می‌کنند. بررسی پاسخ‌های زبان‌آموزان و میانگین امتیازات داده شده به هر یک از سوالات نشانگر این بود که آن‌ها به‌کارگیری هیچ کدام از این دو روش را برای یادگیری دستور زبان به تنهایی کافی نمی‌دانند. از آنجا که زبان‌آموزان به ندرت با سوالات کاملاً موافق و یا کاملاً مخالف بودند و میانگین نمرات اکثر

عبارات در بازه‌ی میانه قرار گرفت (نمودار ۱)، می‌توان به این نتیجه رسید که در نظر زبان‌آموزان نیز تلفیق و ادغام دو روش معلم‌محور و متعلم‌محور در طول کلاس درس و ایجاد تنوع در روش‌های آموزشی بهترین، مفیدترین و مطلوب‌ترین روش آموزشی خواهد بود. بنابراین بهترین راه این است که معلم با اتکا به تجربه‌ی کاری خویش و با در نظر گرفتن نیازهای زبان‌آموزان ترکیبی از دو روش را به کار بندد تا این‌گونه بتواند از حداکثر مزایای هر شیوه بهره‌بردار و معایب و نواقص آن‌ها را به حداقل برساند.

در نمودار زیر میانگین نمرات داده شده به هر یک از سوالات نظرسنجی قابل مشاهده است. در پرسش‌نامه‌ی طرح شده از مقیاس لیکرت استفاده شده است، که بازه‌ای از ۱ تا ۵ را شامل می‌شود (۱=کاملاً مخالف، ۲=نسبتاً مخالف، ۳=نه موافق و نه مخالف، ۴=نسبتاً موافق و ۵=کاملاً موافق).



نمودار ۱: میانگین امتیازات داده شده به هر یک از سوالات پاسخنامه

روش (مانند هر روش آموزشی دیگر) معایب و مزایایی وجود دارند. در روش معلم‌محور، زمان‌بندی بر عهده‌ی معلم است، تعداد مراحل یادگیری کمتری وجود دارند و هر کدام از مراحل کم‌تر وقت‌گیر هستند و در نتیجه، آموزش با سرعت

## ۵. نتیجه‌گیری

با بررسی ویژگی‌های دو روش معلم‌محور و متعلم‌محور در این جستار، باید اذعان داشت که در هر دو

بیش‌تری انجام می‌شود. این در حالی است که در روش متعلم‌محور، فرآیند آموزش و فهم ساختار زبانی وقت‌گیرتر بوده و این امر برای معلمانی که برنامه‌ی زمانی فشرده‌ای را دارند، مانع از بکارگیری این روش خواهد بود. از سوی دیگر در روش متعلم‌محور، زبان‌آموزان فعال‌تر هستند و این علاوه بر جلوگیری از خمودی و بی‌حوصلگی آن‌ها در کلاس درس و ایجاد انگیزه و کنجکاوی در آنان، باعث می‌شود که ذهنشان با مباحث و ساختارهای جدید بیش‌تر درگیر شود. در این شیوه، زبان‌آموزان خود به قاعده‌مندی یک ساختار بخصوص زبانی دست می‌یابند و در نتیجه این ساختار در ذهن آن‌ها ماندگارتر بوده و احتمال کم‌تری برای فراموشی آن وجود دارد. در روش معلم‌محور زبان‌آموزان برای درک قواعد دستوری تلاشی نکرده و آن‌ها را از معلم خود دریافت می‌کنند که این امر می‌تواند احتمال تحکیم و تثبیت آن ساختار در ذهن زبان‌آموزان را کاهش دهد، اما از طرف دیگر در روش متعلم‌محور این خطر وجود دارد که زبان‌آموز با تحلیل مثال‌ها به نتیجه‌ی درستی نرسد یا به عبارت دیگر یک قاعده‌ی دستوری را به اشتباه فراگیرد. در انتخاب روش تدریس باید به فاکتورهایی چون سن،

## منابع

- Albert, R. (2018). *Grammatikvermittlung*. Marburg: Philipps Universität. [https://www.uni-marburg.de/de/fb09/igs/arbeitsgruppen/ag-daf/studium-zertifikatskurse/weiterbildungsmaster-daf-online/studienbrief-m-2-grammatikvermittlung\\_mai-2018.pdf](https://www.uni-marburg.de/de/fb09/igs/arbeitsgruppen/ag-daf/studium-zertifikatskurse/weiterbildungsmaster-daf-online/studienbrief-m-2-grammatikvermittlung_mai-2018.pdf)
- Bakarić, S. (2013). *Wege der Grammatikareit*. Masterarbeit. Institut für Germanistik. Philosophische Fakultät. Universität Zagreb. <https://docplayer.org/storage/30/14169254/14169254.pdf>
- Bimmel, P. & Rampillon, U. (2004). *Lernerautonomie und Lernstrategien*. 5. Auflage. Berlin: Langenscheidt.
- Eggenschwiler, D. (2014). *Handbuch zur Methodenvielfalt: Eine Sammlung*. Dornach: Akademie für anthroposophische Didaktik. [http://www.afap.ch/wp-content/uploads/2017/03/handbuch\\_methodenvielfalt\\_0.pdf](http://www.afap.ch/wp-content/uploads/2017/03/handbuch_methodenvielfalt_0.pdf)
- Gudjons, H. (1993). *Handbuch Gruppenunterricht*. 2. Auflage. Weinheim, Basel, Berlin: Beltz Verlag. <https://dnb.info/968551882/04>

Heyd, G. (1990). Deutsch lehren. Grundwissen für den Unterricht in Deutsch als Fremdsprache. Frankfurt/M.: Diesterweg.

Krumm, H. (2010). Deutsch als Fremd- und Zweitsprache. Ein internationales Handbuch. Göttingen: Hubert.

Mietzel, G. (1986). Psychologie in Unterricht und Erziehung. Einführung in die Pädagogische Psychologie für Pädagogen und Psychologen. Göttingen: Hogrefe.

Pekkinen, K. (2011). Lernerzentriertheit im DaF-Unterricht. Unterrichtsversuch zum Thema Verbrennung. Maserarbeit. Deutsche Sprache und Kultur. Fachbereich Sprach-, Translations- und Literaturwissenschaften. Universität Tampere. <https://trepo.tuni.fi/bitstream/handle/10024/82692/gradu05194.pdf?sequence=1&isAllowed=y>

Sairanen, E. (2014). Autonomes Lernen in DaF-Grammatikdarstellungen. Masterarbeit. Deutsche Sprache und Kultur. Philosophische Fakultät. Universität Ostfinnland. [https://erepo.uef.fi/bitstream/handle/123456789/14345/urn\\_nbn\\_fi\\_uef-20141264.pdf?sequence=-1&isAllowed=y](https://erepo.uef.fi/bitstream/handle/123456789/14345/urn_nbn_fi_uef-20141264.pdf?sequence=-1&isAllowed=y)

Schaffer, C. (1989). A comparison of inductive and deductive approaches to teaching foreign languages. The Modern language Journal, 73, pp 395-403.

Schlak, T. (2003). Grammatik induktiv oder deduktiv vermitteln. Zielgruppenorientierte Methodikforschung an einem konkreten Beispiel veranschaulicht. In J. Eckerth,

*Empirische Arbeiten aus der Sprachlehrforschung. Beiträge der Hamburger Promovierendenkolloquiums.* (pp. 81-95). Bochum: AKS. [https://www.kirchliche-dienste.de/damfiles/default/haus\\_kirchlicher\\_dienste/arbeitsfelder/fluechtlinge/materialien/tagung\\_151107/Grammatik-induktiv-oder-deduktiv-vermitteln--Schlak-2003--ba29d0ee923996031689e03d47cfb7ee.pdf](https://www.kirchliche-dienste.de/damfiles/default/haus_kirchlicher_dienste/arbeitsfelder/fluechtlinge/materialien/tagung_151107/Grammatik-induktiv-oder-deduktiv-vermitteln--Schlak-2003--ba29d0ee923996031689e03d47cfb7ee.pdf)

Storch, G. (2001). Deutsch als Fremdsprache: Eine Didaktik. Theoretische Grundlagen und praktische Unterrichtsgestaltung. 2. Auflage. München: Fink.

Winkler, M. (2011). Arbeiten und Unterricht mit Großgruppen für DaF. Berlin: Goethe-Institut. <https://s31f95e01915d0160.jimcontent.com/download/version/1501532758/module/6078026213/name/4%20Phasen.pdf>

پروان، حسن و سرکار حسن خان، حسین (۱۳۹۰). بررسی تبیین کلی اصطلاحات دستوری در زبان فارسی و آلمانی در آموزش زبان آلمانی. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، (۱)، ۲۰-۵. [https://jflr.ut.ac.ir/article\\_28992.html](https://jflr.ut.ac.ir/article_28992.html)